

«درآمدی بر شناخت گستره‌ی شریعت»

مؤلف: محمدرضا اسدی

ناشر: دفتر نشر معارف

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۲

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۰۳۰-۶۰-۶

تبیین قلمرو دین از مهمترین محورها و موضوعات مطرح در دین‌شناسی معاصر است. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری یافت که دین‌داران، به تشکیل حکومت دینی دست یازیدند و بیش از پیش دغدغه‌های اجتماعی پیدا کردند و درصدد برآمدند تا بر مبنای آموزه‌های دینی به پرسش‌ها و نیازهای گونه‌گون دین‌داران پاسخ بگویند. کتاب «درآمدی بر شناخت گستره‌ی شریعت» با تبیین قلمرو پژوهی دین، روش‌های قلمرو شناخت دین، نسبت قلمرو دین با کلام، فلسفه‌ی دین و فلسفه‌ی علم دین، می‌تواند به عنوان مدخل و درآمدی برای موضوع «تبیین قلمرو هدایت و رسالت دین» محسوب گردد، در این کتاب تلاش شده است با نگاهی اجمالی و گذرا، کلیاتی در باب قلمرو شناخت دین و مسائل و غایت و روش‌ها و آثار و لوازم و کارکردهای آن، همراه با دلایل توجّه جدی

به این موضوع در جامعه‌ی ایران، بیان شود.

کتاب حاضر در یک مقدمه و سه فصل به رشته‌ی تحریر در آمده است. در مقدمه‌ی کتاب، مؤلف در خصوص مطالعه‌ی قلمرو شناخت دین اسلام در عرصه‌های مختلف، عنوان نموده که:

«برای پاسخگویی به بخشی از نیاز فکری، دینی مسلمانان معاصر، تبیین قلمرو دین از زاویه‌ای جدید و با نگاهی نو، بطون و اطلاع متعدد دین اسلام را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. از این رو، ضمن اقرار به این که می‌توان و می‌باید از میراث علمی متفکران مسلمان تا حدودی در این زمینه بهره جست، اما جمع‌آوری مباحث پیشینیان و تکرار همان مطالب کلامی، اخلاقی و فقهی، ذیل عنوان قلمرو شناخت دین، نه تنها کمکی به بالندگی این موضوع و مبحث جدید نمی‌کند، بلکه باعث توقف و بعضاً انحراف این موضوع از مسیر نو و صحیحی می‌شود که تا کنون در آن جهت حرکت کرده است.»

در فصل اول کتاب با عنوان «قلمرو پژوهی دین»؛ نویسنده به شرح و بررسی نسبت و رابطه‌ی بین دین دار و دین پرداخته است. در بخشی از این فصل می‌خوانیم:

«شناخت دین و قلمرو شناخت دین، ثمره‌ی تفاعل دارایی‌ها و نادارایی‌های انسان، از یک سو، با معرفی دین از خودش، از سوی دیگر است؛ یعنی، هنگامی که فاعل شناسایی، با تمامی ناداری‌ها و دارایی‌هایش، از یک طرف، با متعلق این شناسایی، تلاقی کرد، نتیجه و ثمره‌ی این تفاعل چیزی است که از آن با نام دین شناخت یاد می‌کنیم. دین شناخت و قلمرو شناخت دین، برخلاف سایر

شناسایی‌ها یک امر یک طرفه نیست که تنها سهم و یا حتی سهم اساسی در شناسایی‌را، فاعل شناسایی (انسان) ایفا کند، بلکه خود متعلق شناسایی (دین)، در دین شناخت سهم است. اگرچه معرفی دین از خودش هم نیز از طریق فاعل شناخت تحقق می‌یابد، اما این، موجب نمی‌شود که نقش اساسی و نهایی‌را در دین شناخت و قلمرو شناخت تنها به فاعل شناسایی داد.»

فصل دوم کتاب با عنوان «روش‌های قلمرو شناخت دین» به قلمرو شناخت هدایت دین و شناخت هدف یا اهداف دین می‌پردازد.

در این خصوص هر چند دو رویکرد اصلی برون دینی و درون دینی می‌توان داشت، اما برای دانستن مقاصد دین و اینکه در کجا و تا کجا دست بشر را می‌گیرد و او را راهنمایی می‌کند، چند نظر و روش ابراز شده است که به ترتیب عبارتند از: الف) بنابراین شیوه، برای شناسایی قلمرو و اهداف دین، باید نگاه و رویکردی برون دینی داشت. به عبارت دیگر، قلمرو و اهداف دین بر مبنای انتظارات آدمی از دین، تعیین و تحدید می‌شود. ب) در این روش، برای شناسایی قلمرو دین و اهداف آن، باید به خود دین رجوع کرد، یعنی، رویکردی درون دینی داشت و از خود دین خواست تا هدف‌هایش را توضیح دهد و قلمرو هدایت و توانایی‌هایش را مشخص کند. ج) در این نگرش، تشخیص کلیات هدف و قلمرو دین، برعهده‌ی عقل، و تفصیل و جزئیات آن، برعهده‌ی دین است. به عبارت دیگر، این نظر، درصدد است به نحوی میان نگاه برون دینی و درون دینی جمع کند. د) در این روش، تنها از طریق معرفت‌های درجه دوم می‌شود به قلمرو شناخت دین پرداخت. این فصل با تفصیل بیشتری به طرح و بررسی هر یک از این روش‌های چهارگانه اختصاص دارد.

«نسبت قلمرو شناخت دین با سایر علوم» عنوان فصل سوم این کتاب است. در بخش نخست این فصل می‌خوانیم: در بحث قلمرو شناخت دین، همیشه دو سؤال اساسی قابل طرح است که یکی متفرع بر دیگری است: ۱. دین در چه مواردی برای هدایت ما آمده است؟ ۲. در مواردی که دین برای هدایت و دست‌گیری آمده است، به چه میزان توان و قابلیت راه‌گشایی و راهنمایی دارد؟ به عنوان مثال، آیا دین در باب هنر و مقولات هنری برای ما هدایت و راهنمایی دارد؟ اگر دارد، تا کجا و تا چه حدی هدایت‌کننده است؟ همین دو نوع سؤال را دقیقاً در موضوعات دیگری چون حقوق، فلسفه، اقتصاد، سیاست، تربیت نیز می‌توان مطرح کرد. اگر پاسخ سؤال نخست مثبت باشد، همیشه جا دارد که سؤال بعدی نیز مطرح شود. پس دو پرسش «در کجا» و «تا کجا» در مباحث قلمرو شناخت دین از محوری‌ترین و مهم‌ترین پرسش‌هایی است که تا پاسخ‌های مناسب و درخور به آن‌ها داده نشود، این مباحث به مقاصد اصلی خود نمی‌رسد. پرسش «در کجا؟» پرسشی از محدوده‌ی وسعت هدایت‌های دینی است و پرسش «تا کجا؟» پرسشی از کیفیت و عمق و ارتفاع هدایت‌های دینی است.

در بخش‌های دیگر فصل سوم، نویسنده به بررسی موضوعاتی همچون: نسبت قلمرو شناخت دین با کلام و فلسفه‌ی دین و فلسفه‌ی علم دین، دین و درد و توانایی، قلمرو علم و دین، آثار قلمرو شناخت دین و... اهتمام نموده است.